

درس نامه ی درس سوم

فعل

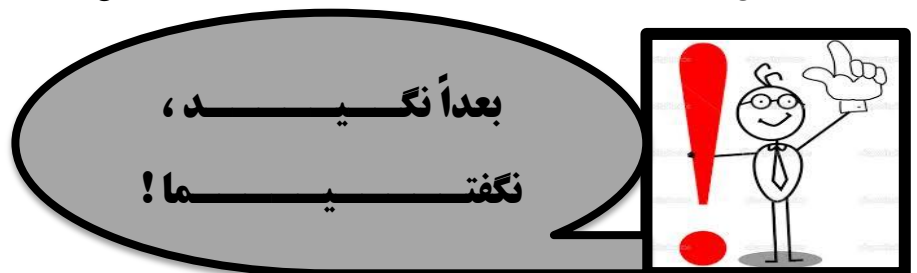
فعل کلمه ای است که انجام گرفتن کاری یا نسبت دادن حالتی را در زمان خاص با شخص خاص بیان می کند .
مانند : جوان و نوجوان ، چشمه ی جوشان نیرو و استعداد است .

مهم ترین جزء جمله ، فعل است و بخش اصلی معنای جمله و انتقال دهنده ی پیام می باشد .

در درس قبل با بن فعل (ماضی و مضارع) آشنا شدید . اکنون به آشنا کردن شما با انواع فعل ماضی، مضارع ، آینده، امر ، دعایی و نهی و نفی و شناسه های آنها می پردازیم .

شناسه

شخص فعل جزء تغییر پذیر فعل است که دلالت بر شخص جمع و مفرد دارد .
شناسه ها شش تا هستند که در ساخت های گوناگون فعل به کار می روند .



۱. فعل توسط یک نفر یا بیش تر از یک نفر انجام می گیرد .

۲. در شناسه ی ماضی ، سوم شخص فعل ماضی ، شناسه ندارد و علامت آن (Ø) ، اما در شناسه های مضارع سوم شخص (د) می باشد .

شناسه های فعل ماضی	
اول شخص مفرد — م	اول شخص جمع — یم
دوم شخص مفرد — ی	دوم شخص جمع — ید
سوم شخص مفرد — Ø	سوم شخص جمع — ند

شناسه های فعل مضارع

اول شخص مفرد — م	اول شخص جمع — یم
دوم شخص مفرد — ی	دوم شخص جمع — ید
سوم شخص مفرد — د	سوم شخص جمع — ند

۳. بعضی از افعال سوم شخص هستند که هم در زمان حال و هم در زمان گذشته کاربرد دارند . شخص این

فعل ها ، هم مفرد و هم جمع است . به این افعال ، فعل های دوزمانه و دو شخصه می گویند

مانند :	مریم دیروز در حیاط مدرسه می دوید .	{ زمان : گذشته شخص : او }
	شما حالا در حیاط مدرسه می دوید.	{ زمان : حال شخص : شما }

بعضی از این فعل ها عبارتند از : می خرید - می پرید - می نوشید - می کوشید - می کشید - می پوشید - می ترسد - می پرسید - می جَوید - می غلتید و

زمان فعل ها

روش ساخت	انواع فعل ماضی
بن ماضی + شناسه ها مانند : رفتم - رفتی - رفت - رفتیم - رفتید - رفتند	ماضی ساده
می + بن ماضی + شناسه ها مانند : می رفتم - می رفتی - می رفت - می رفتیم - می رفتید - می رفتند	ماضی استمراری
بن ماضی + ه (صفت مفعولی) + بود + شناسه ها مانند : رفته بودم - رفته بودی - رفته بود - رفته بودیم - رفته بودید - رفته بودند	ماضی بعید
بن ماضی + ه (صفت مفعولی) + باش + شناسه ها مانند : رفته باشم - رفته باشی - رفته باشد - رفته باشیم - رفته باشید - رفته باشند	ماضی التزامی
بن ماضی + ه (صفت مفعولی) + (ام - ای - است - ایم - اید - اند) مانند : رفته ام - رفته ای - رفته است - رفته ایم - رفته اید - رفته اند	ماضی نقلی

ماضی مستمر
(ملموس)

داشت + شناسه ها + ماضی استمراری فعل اصلی
مانند : داشتم می رفتم - داشتی می رفتی - داشت می رفت -
داشتیم می رفتیم - داشتید می رفتید - داشتند می رفتند

توجه!

ممکن است بین دو قسمت فعل ماضی مستمر فاصله بیفتد و جمله بیاید ولی باز هم ماضی مستمر است .
مثال : داشتم غذا می خوردم که ناگهان دوستم آمد .

انواع فعل مضارع	روش ساخت
مضارع اخباری	می + بن مضارع + شناسه ها مانند : می روم - می روی - می رود - می رویم - می روید - می روند
مضارع التزامی	بـ + بن مضارع + شناسه ها مانند : بروم - بروی - برود - برویم - بروید - بروند
مضارع مستمر (ملموس)	دار + شناسه ها + مضارع اخباری فعل اصلی مانند : دارم می روم - داری می روی - دارد می رود داریم می رویم - دارید می روید - دارند می روند

فعل آینده

فعلی که در زمان آینده انجام شود .

طریقه ی ساخت : خواه + شناسه ها + بن ماضی

مانند: خواهم رفت - خواهی رفت - خواهد رفت - خواهیم رفت - خواهید رفت - خواهند رفت

ن ک ا ت ه ه م :

۱. فعل آینده فقط از بن ماضی ساخته می شود .

۲. اگر (نَ) بر سر این فعل ها بیاید ، آینده ی منفی ساخته می شود .

مانند : نخواهم رفت - نخواهی رفت - نخواهد رفت - نخواهیم رفت - نخواهید رفت - نخواهند رفت

فعل امر

فعل امر بر انجام کاری دلالت می کند و حالت دستوری یا خواهشی مثبت دارد .

طریقه ی ساخت فعل امر به دو صورت است :

۱. دوم شخص مفرد که بدون شناسه است .
بـ + بن مضارع مانند : برو ، بخوان

۲. دوم شخص جمع که با شناسه است .
بـ + بن مضارع + ید مانند : بروید ، بخوانید

گاهی در شعر یا نثر قدیم ، نشانه (بـ) از اول فعل امر حذف می شود . مانند : رو ، خوان

فعل نهی

امر منفی و بازداشتن از کاری

طریقه ی ساخت :

۱. دوم شخص مفرد _____ نـ + بن مضارع مانند : نرو

۲. دوم شخص جمع _____ نـ + بن مضارع + ید مانند : نروید

فعل نفی

باز داشته شدن فرد از کاری ، ممکن است آن کار انجام شود یا نشود .

طریقه ی ساخت : _____ نـ + مضارع اخباری مانند : نمی رود ، نمی رویم

فعل دعایی

حالت دعا بر فرد یا افرادی را دارد . مانند : بُوَد ← باد ، بُوَدَا / باشد ← باد / گَنَد ← کناد

پرسش و پاسخ



۱. در متن زیر فعل ها را مشخص کنید .

می گویند ، اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد . سنگ مزار ها را می خواند و به حیرت فرو رفت ؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ ها حک شده بود ، هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد . یکی از بزرگان شهر را پیش خواند . به او گفت : « شهری به این صفا ، با هوا خوب و گوارا ، چرا زندگی مردمش چنین کوتاه است ؟ »

آن مرد بزرگ پاسخ داد : « ما زندگی را به نظر دیگر می نگریم ، زندگی به خوردن و خفتن و راه رفتن نیست ! »

۲. در عبارات زیر انواع فعل ماضی و مضارع را پیدا کنید .

- همه ی آنچه در تحلیل های دشمنان این ملت و این کشور به عنوان نقطه ی مرکزی مشاهده می شود .
- متخصصان دانشمندان جهانی مجبور شده اند ؛ اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه ی ایمان و همت و غیرت ، توانسته اند استعداد جوشان و پنهان خود را آشکار کنند .
- وقتی جوان های ما خرمشهر را باز پس گرفته بودند ، اوایل ریاست جمهوری بنده بود .
- این ملت باید به وجود این همه جوان ، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد .
- کژال ، صورت می خراشید زار می زد و می دوید .
- داشتم می رفتم که ناگهان دوستم را دیدم .
- گفت : باغی بزرگ خواهم شد تا ابد سبز سبز خواهم ماند

۳. در ابیات و عبارات زیر ، فعل امر ، دعایی ، نهی و نفی را مشخص کنید .

- آتش است این بانگ و نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد
- رو که در خانه ی خود بسته ایم .
- زهرا به خیابان نمی رود .
- باز او مرا مونس جان باش
- زهرا به بازار نرو

۴. از مصدر های زیر فعل خواسته شده را بنویسید .

رسیدن	دوم شخص مفرد	ماضی استمراری
شنیدن	اول شخص جمع	ماضی ساده
بوییدن	اول شخص مفرد	ماضی بعید	
خندیدن	سوم شخص جمع	ماضی التزامی	

	ماضی نقلی	دوم شخص جمع	خواندن
	ماضی مستمر	سوم شخص مفرد	پوشیدن
	مضارع اخباری	سوم شخص جمع	نشاندن
	مضارع التزامی	دوم شخص مفرد	دیدن
	مستقبل	اول شخص جمع	رفتن

ساختمان فعل

❖ **فعل ساده** : یک قسمت معنا دار دارد . مانند : رفت ، آمد و ...

❖ **فعل غیر ساده**] ۱. فعل پیشوندی : مانند : باز آمد - فرو رفت - برگشت - ورافتاد

۲. فعل مرکب : از دو قسمت معنادار درست شده است . مانند : مطالعه کرد - زمین خورد - چشم پوشید - ایمان آورد و

پیشوندهای فعل ساز : باز - بر - فرو - ور - در و ...

❖ راه تشخیص فعل ساده از مرکب

اگر بین دو کلمه ی آخر جمله حرف (را) بیاوریم و معنی بدهد فعل ساده است و اگر معنی درست نباشد مرکب است .

مانند : زهرا زمین خورد _____ زهرا زمین را خورد . : چون معنی نمی دهد فعل مرکب است .

زهرا غذا خورد _____ زهرا غذا را خورد : چون معنی میدهد فعل ساده است .

آیا می دانستید:



۱. برخی فعل های مرکب را عبارت های کنایی تشکیل می دهند . مانند : او از خواسته هایش چشم پوشید .

یا او هیچ وقت دست از پا خطا نمی کند .

۲. انواع فعل های ماضی ، مضارع ، مستقبل ، جزء فعل های ساده هستند .

تمرین

❖ در عبارات زیر ساختمان فعل را مشخص کنید .

من به کارهای او ایمان آوردم .

جامعه ی ما بحمدالله از میلیون ها جوان دختر و پسر برخوردار است .

در برخی مطبوعات یا رسانه ها از انحراف نسل جوان سخن می گویند .

آینده با حرف ساخته نمی شود .

دانش آموز خوب ، درس می خواند .

صفت

به کلمه ای که حالت ، مقدار و یا یکی از ویژگی های اسم را بیان کند و یا توضیحی درباره ی آن دهد ، صفت می گویند .

❖ ترکیب وصفی

به اسم + ___ + صفت ، می گویند . مانند : دختر زیبا

ن ک ت ه : به اسم قبل از صفت ، موصوف می گویند .

❖ ترکیب اضافی

به اسم + ___ + اسم ، می گویند . مانند : کتاب زهرا

ن ک ت ه : در ترکیب اضافی به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف الیه می گویند .

❖ راه تشخیص ترکیب وصفی از اضافی

۱) به صفت تر و ترین اضافه کنیم . مانند : زیباتر ، زیباترین

۲) بین موصوف و صفت (___) را برداشته (ی) اضافه می کنیم . مانند : دختری زیبا

۳) ابتدای ترکیب « این » و آخر ترکیب « است » اضافه کرده و (___) را بین موصوف و صفت برداریم .

مانند : این دختر زیبا است .

۴) بین موصوف و صفت « بسیار » و « خیلی » اضافه می کنیم . مانند : دختر بسیار زیبا

ز ک ه : در هر ترکیب وصفی همیشه صفت به صورت مفرد می آید ولی موصوف می تواند مفرد یا جمع

دانش آموزان زرنگ

بیاید . مانند : دانش آموز زرنگ

❖ ترکیب وصفی مقلوب

گاهی جای اسم و صفت (موصوف و صفت) با هم عوض می شود و برای ما ترکیب وصفی مقلوب می سازند .

مرد نیک : نیک مرد

مانند : زن پیر : پیر زن

انواع صفت

الف (صفت بیانی ب) صفت تعجبی ج) صفت شمارشی د) صفت پرسشی
ه) صفت مبهم و) صفت اشاره



صفت بیانی که به چگونگی و خصوصیات اسم مانند: رنگ - جنس - شکل - قد - حجم - مقدار - ارزش و می پردازد خود به چند نوع تقسیم می شود:

- ۱- صفت بیانی ساده
- ۲- صفت بیانی لیاقت
- ۳- صفت بیانی مفعولی
- ۴- صفت بیانی فاعلی
- ۵- صفت بیانی نسبی
- ۶- صفت بیانی تفضیلی (برتر)
- ۷- صفت بیانی عالی (برترین)

- ۱) صفت بیانی ساده: خصوصیات و ویژگی موصوف را بیان می کند .
مانند: دانش آموز زرنگ: خصوصیت و ویژگی زرنگی دانش آموز را بیان می کند .
- ۲) صفت بیانی لیاقت: صفتی که قابلیت موصوف را برساند .
طریقه ی ساخت: مصدر + (ی) مانند: دیدنی , گفتنی , خوردنی
- ۳) صفت بیانی مفعولی: صفتی که کار بر روی آن واقع شده است .
طریقه ی ساخت: بن ماضی + (ار) بن ماضی + ه مانند: گفتار - گفته دیدار - دیده
- ۴) صفت بیانی فاعلی: صفتی که موصوف خود را به شکل انجام دهنده ی کار تعریف می کند

- طریقه ی ساخت:
- الف) بن مضارع + ا / مانند: پویا - شنوا - دانا - گویا
 - ب) بن مضارع + نده / مانند: گوینده - شنونده - خواننده
 - ج) بن مضارع + ان / مانند: گریان - خندان - نالان
 - د) بن مضارع + گر / مانند: توانگر
 - ه) بن ماضی + ار / مانند: خواستار
 - و) بن ماضی + گر / مانند: ریختگر
 - ز) بن ماضی + گار / مانند: آفریدگار

۵) صفت بیانی نسبی : کسی یا چیزی را به کسی یا چیزی نسبت می دهد

طریقه ی ساخت :
اسم + ی / مانند : شیرازی
اسم + ین / مانند : زرین
اسم + انه / مانند : دخترانه
اسم + گانه / مانند : بچه گانه
اسم + ینه / مانند : زرینه
اسم + گان / مانند : مهرگان

۶) صفت بیانی تفضیلی (برتر) : صفتی است که موصوفی را در صفتی مشترک با یک یا چند موصوف دیگر می سنجد .

طریقه ی ساخت : صفت بیانی ساده + تر / مانند : خوب تر و زرنگ تر

۷) صفت بیانی عالی (برترین) : صفتی است که موصوفی را در صفتی مشترک با همه ی موصوف های هم جنس می سنجد .

طریقه ی ساخت : صفت بیانی ساده + ترین / مانند : خوب ترین و زرنگ ترین

ب) صفت تعجبی : طریقه ساخت : (چه) یا (عجب) + اسم

مانند : چه سری ! چه دمی !
عجب هوایی داره اصفهان !

ج) صفت شمارشی : طریقه ی ساخت (اعداد یک تا بینهایت) + اسم

مانند : سه پرنده - پنج نفر - دانش آموز ششم

د) صفت پرسشی : طریقه ی ساخت : (کدام) ، (چند) ، (چگونه) و (چی) + اسم

مانند : کدام داستان ؟
چند دانش آموز

ه) صفت مبهم : طریقه ی ساخت : (بهمان) ، (فلان) ، (دگر) ، (هیچ) ، (برخی) ، (چندین) ، (هر) + اسم

مانند : هر فرد ، فلان آدم ، هیچ کس

و) صفت اشاره : طریقه ی ساخت : (این) ، (آن) ، (همین) ، (همان) + اسم

مانند : آن دانش آموز ، این دختر

تمرین

۱- در عبارت زیر موصوف و صفت را پیدا کنید .

به شما جوانان به عنوان فرزندان عزیز و پاره های دل این ملت ... می گویم

دشمنان این ملت می کوشند که این نسل جوان و پرشور و آینده ساز را از راه های مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه ی آینده ، ناتوان کنند .

۲- در ترکیب های زیر انواع صفت را پیدا کنید .

چشمه ی جوشان :	کشور ساختنی :	گفته ی امام :
چه کشور خوبی!:	فرصت خوبتر:	مهربان ترین مردم :
آن ملت غیور:	فلان ارتش:	چهار جوان پویا :

نکته ی دوم درس سوم *****

زبان و ادبیات

به این اندرز خردمندانه توجه کنید : (تا انسان سخن نگوید ، عیب های شخصیتی و نقاط ضعفش را نخواهد فهمید .

حالا به این کلام سعدی توجه کنید : (زبان در دهان ای خردمند چیست ؟ / کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی / که جوهر فروش است یا پبله ور)

با مقایسه ی این دو عبارت ، می توان گفت که هر دو یک مقصود دارند ؛ هر دو درباره ی کم سخنی سفارش

می کنند ولی در عبارت نخست ، آن چه مورد توجه قرار میگیرد ، پیام است . حال آنکه عبارت دوم ، علاوه بر پیام

شکل و شیوه ی بیان هم توجه خواننده یا شنونده را به خود جلب می کند .



➤ عبارت نخست یک عبارت زبانی است و عبارت دوم یک عبارت ادبی .

➤ هر گاه نویسنده قصد داشته باشد علاوه بر رساندن پیام ، احساس لذت و خوشی را به خواننده منتقل کند ،

از زبان ادبی استفاده می کند

➤ در عبارت های زبانی ، از کلمات و جملات ساده استفاده می شود تا مقصود نویسنده به راحتی به خواننده

منتقل شود . ولی در عبارت های ادبی ، از آرایه های ادبی (تشبیه ، تشخیص ، تضاد ، مراعات النظیر ، ضرب

المثل و ..) استفاده می شود و به علاوه واژگانی خوش تراش و خوش آهنگ نیز به کار می رود .

➤ هر گاه بخواهیم مقصود خود را بیان کنیم ، از (زبان) استفاده می کنیم اما وقتی بخواهیم همان مقصود و منظور را زیباتر و تأثیر گذارتر بگوییم ، از (ادبیات) استفاده می کنیم .

تمرین

۱- در کدام یک از جمله ها و عبارت های زیر ، زبان یا ادبیات ، استفاده شده است ؟

- در یکی از سال های نوجوانی که کنجکاوی و خستگی ناپذیری داشتم ، برای فرا گرفتن و فهمیدن و به ویژه برای کشف کردن ، سری به طبیعت روستا زدم .
- کودکان پر نشاط ، گل بوته ها و نوجوانان امیدوار ذرت ها در گوش نسیم آمین می گفتند .

۲- با توجه به نمونه های آورده شده ، جمله های زبانی زیر را به جمله های ادبی تبدیل و باز نویسی کنید .

مثال : باد می وزد و درختان حرکت می کنند . (زبانی)

درختان دست به دعا برداشتند . (ادبی)

- باران بارید. (جمله ی زبانی)

.....

- آسمان گریست . (جمله ی ادبی)

- یک قطره شبنم از روی برگ چکید .

.....

- هنگام طلوع خورشید آسمان را نگاه کردم .

نکته املائی



در نوشتن املا به نحوه ی تلفظ و مطابقت آن با شکل نوشتاری دقت شود .
پس از پایان املا ، متن را یک بار مرور کنید .

تمرین

۱- با توجه به معنی و مفهوم جمله ، گزینه ی صحیح را انتخاب کنید .

- این ها چرا و پاکدامنی و پارسایی جوانان را نمی بینند . (سلاح - صلاح)
- بحمدالله بر خوررداری از میلیون ها جوان دختر و پسر افتخار برای ملت ماست . (مایع - مایه)
- ۲- در هر جمله ، املائی درست را انتخاب کنید و دور آن خط بکشید .
 - جوان و نوجوان ، چشمه ی جوشان نیرو و (استعداد - استعداد) است .
 - جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن ، دریافتن و (تهلیل - تحلیل) کردن هستند .
 - اما به (رقم - رغم) تلاش های دشمنان ، واقعیت عکس این است .
 - (متخصصان - متخسسان) و دانشمندان جهانی مجبور شدند ؛ اعتراف کنند که جوانان مابا پشتوانه ی ایمان (همت - حمت) و غیرت ، توانسته اند استعداد جوشان و پنهان خود را آشکار کنند .

نکته ی نگارشی



تصویر نویسی

در تصویر نویسی ، دقت و توجه لازم به جزئیات تصاویر (رنگ - شکل - اندازه - جهت - نور و لطافت و ...) است تا بتوان از دل تصاویر موضوعاتی را مشخص و سپس از بین موضوعات مشخص شده یک موضوع را انتخاب کرد .

علاقه مندی به موضوع هم در نوشته مؤثر است .

گاهی لازم است در ارتباط با تصاویر یا موضوع شنیداری ، صداهایی را در ذهن مجسم کرد و درباره ی آن چند بند نوشت .

باید توجه داشت جزئیاتی را که در تصویر دیده ایم و یا در صدا شنیده ام را در نوشته ی خود بیاوریم . فراموش نکنید که علائم نگارشی را هم به صورت مناسب و صحیح در نوشته های خود به کار ببریم .

درست نویسی

به عبارات زیر توجه کنید:

الف) معلم نگارش زهرا را صدا زد و از او خواست ، نوشته اش را بخواند .

ب) معلم نگارش ، زهرا را صدا زد و از آن خواست ، نوشته اش را بخواند .

جمله (الف) صحیح است . ضمیر (آن) معمولاً برای اشیا به کار می رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می آید .

مانند : دانش آموزان امروز به مدرسه نیامدند ، آن ها به گردش علمی رفتند .

تمرین

جمله های زیر را ویرایش کنید .

• مربی ، دستیارش را صدا زد از آن خواست ، بچه ها را برای تمرین آماده کند .

• این دوچرخه را دوست دارم ؛ زیرا او دوچرخه ی دوران کودکی من است .

نکته از شعر راز شکوفایی

کلمات مترادف (هم معنی)

علت وجود واژه های هم معنی یا مترادف در زبان فارسی چیست ؟

تعداد زیادی از کلمات موجود در زبان فارسی از زبان فارسی دیگر ، به ویژه زبان عربی وارد زبان فارسی شده اند علاوه بر این بعضی از واژه ها هم ، از زبان فارسی قدیم ، وارد زبان امروزی شده که لازم است معنی آنها را بدانیم و در نوشته و سخن خود به کار ببریم .

گاهی در زبان فارسی ، برای یک مفهوم ، چند واژه ی نزدیک به هم وجود دارد ؛ مانند : رسا ، روشن ، آشکار شناخت این واژه ها و معنی آن ها ، ما را در سخن گفتن و نوشتن توانا می کند . پس سعی کنیم اگر برای یک واژه چند معنی آمده ، همه ی آنها را یاد بگیریم تا هنگام نوشتن ، واژه های زیادی در ذهن داشته باشیم و هر کدام را در جایگاه خاص خود به کار ببریم .

تمرین

۱- در هر جمله برای واژه ی نوشته شده ، یک مترادف پیدا کنید و در جای خالی بنویسید .

• اعتراف : من روی حرف خود اصرار می کنم / در مثنوی و در غزل اقرار می کنم

• متعال : خداوند بزرگ و بلند مرتبه را به خاطر این نعمت سپاس گزاریم .

• کج روی : خوشبختانه در پیشبرد این هدف ، انحراف بزرگی رخ نداد و همه چیز

قابل جبران است .